

زمان مقابله بی‌ملاحظه فرا رسیده و مامشات نیروهای نظامی و انتظامی در مقابل وحشیگری‌های داعشی‌های داخلی غیرقابل توجه است.

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان؛



حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان در سرمقاله خود نوشت:

نگاهی به برخی از رویدادهای این روزها و برخوردهای وحشیانه داعشی‌های داخلی با مردم مظلوم کوچه و بازار و حتی با پلیس، قلب هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد و از آن دردآورتر مامشات غیرقابل توجه نیروهای نظامی و انتظامی در مقابل این وحشیگری‌هاست.

به گزارش اسپادانا خبر، در این مطلب آمده است:

۱- سرهنگ زمانی، رئیس زندان‌های سیاسی دوران ستمشاهی بود. او بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به علت جنایات بیشماری که مرتکب شده بود محاکمه و اعدام شد. بعد از ظهر یکی از روزهای سال ۱۳۵۶ بود که سرهنگ زمانی وارد زندان شد و در حالی که تعداد دیگری از افسران شهربانی او را همراهی می‌کردند وسط حیاط ایستاد تا برای زندانیان سخنرانی کند. سخنان او همیشه کوتاه و موضوع آن خط و نشان کشیدن برای زندانیان بود. آن روز در حالی که به شدت خشمگین به نظر می‌رسید شروع به سخن کرد. در بخشی از سخنان خود گفت: (نقل به مضمون) فرض کنید پلیس پای خود را روی گردن مجرمی قرار داده و گردن او را تا سرحد مرگ فشار می‌دهد و در همان حال متوجه می‌شود که او بی‌گناه است. به نظر شما واکنش پلیس چه خواهد بود؟! منتظر پاسخ نماند چون می‌دانست زندانیان سیاسی برای سخنان او ارزشی قائل نیستند و هیچ‌گاه با او هم‌دهن نمی‌شوند! سرهنگ زمانی در ادامه گفت: اگر تصور می‌کنید که پلیس بعد از اطلاع از بی‌گناهی او پایش را از گردن او بر می‌دارد اشتباه می‌کنید! نمایش اقتدار پلیس خیلی بیشتر از جان یک انسان ارزش دارد! حتی اگر بی‌گناه باشد!

۲- سرهنگ زمانی و سایر افسران عالی‌رتبه رژیم شاه در مراکز نظامی آمریکا و انگلیس پرورش یافته و آموزش دیده بودند. بینش و منش وحشیانه او نسبت به مردم را امروزه در اکثر کشورهای غربی مخصوصاً آمریکا به وضوح می‌توان دید. در آمریکا به اعتراف اف‌بی‌آی (FBI) پلیس فدرال آمریکا) همه ساله بیش از هزار شهروند آمریکایی با شلیک مستقیم پلیس در خیابان‌ها کشته می‌شوند. قتل جرج فلوید پس از آن که در «مینیا پلیس» یک افسر پلیس سفیدپوست به نام درک شووین زانویش را به مدت ۹ دقیقه و ۲۹ ثانیه بر روی گردن وی فشار داد (همان اقدامی که سرهنگ زمانی به آن افتخار می‌کرد!)، فقط یک نمونه از هزاران نمونه است. بسیاری از قربانیان فقط با این بهانه که قصد مقاومت در مقابل دستور پلیس را داشته‌اند به قتل رسیده‌اند و... این قصه سر دراز دارد.

۳- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نه فقط در سازمان و ساختار پلیس تحولی جدی پدید آمد بلکه نیرو و پرسنل این نهاد نیز با تغییر و تحولی بنیادین روبه‌رو شد تا آنجا که به گفته رهبر معظم انقلاب «نیروی انتظامی یکی از ستون‌های استوار امنیت در کشور است... این نقش ارزشمند در سال‌های اخیر برجستگی بیشتری یافته است». اغراق نیست اگر گفته شود که طی ۴۳ سال گذشته همگان نیروی انتظامی را در کنار مردم، اطمینان‌بخش به عنوان یار و غمخوار ملت دیده‌اند. از سوی دیگر مردم ما و نیروی انتظامی که بخشی جدا نشدنی از مردم است پیرو آئین مقدس و عدالت پروری هستند که اعمال نیک و بد را حتی اگر به اندازه «مثقال ذره» ای باشد در پیشگاه خدای متعال مورد بازخواست می‌دانند و بر این باورند که ناظر امروز (خداوند

تبارک و تعالی) قاضی فرداست؛ بنابراین بدهی است که رفتاری نظیر آنچه امروزه در میان نیروهای پلیس آمریکا و برخی دیگر از کشورهای غربی جریان دارد نمی‌تواند در ساحت انسان‌دوستانه پلیس جمهوری اسلامی جایی داشته باشد و همگان شاهدیم که نداشته و ندارد. اما این وجیزه نکته دیگری را دنبال می‌کند. بخوانید!

۴- با جرأت می‌توان گفت به همان اندازه که بینش و منش و رفتار پلیس در غرب وحشی بیرون از انسانیت و نقض‌کننده ابتدایی‌ترین حقوق مدنی شهروندان است هرگونه اقدامی که به اقتدار پلیس انسان‌دوست کشورمان آسیب برساند نیز برای مردم خطرآفرین است. نگاهی به برخی از رویدادهای این روزها و برخوردهای وحشیانه داعشی‌های داخلی با مردم مظلوم کوچه و بازار و حتی با پلیس قلب هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد و از آن دردآورتر مماشات غیرقابل توجیه نیروهای نظامی و انتظامی در مقابل این وحشیگری‌هاست! در فلان نقطه گلوی پلیس را می‌برند! با چاقو به پلیس حمله می‌کنند! روی بدن پلیس بنزین می‌ریزند و جسم پاک و مطهر او را به آتش می‌کشند! پلیس را به قتل می‌رسانند! و... در همان حال تقریباً هیچ واکنش یازدارنده‌ای از پلیس مشاهده نمی‌کنند! رخداد وحشیانه پنج‌شنبه شب آشوبگران در کرج و حمله به پلیس و به خون غلتاندن آن‌ها چگونه قابل توجیه است؟! آشوبگرانی که چند درجه وحشی‌تر از داعشی‌ها هستند نزدیک به دو ماه است که مملکت را به آشوب کشیده‌اند، اهانت‌های آشکار به مقدسات اسلامی، اهانت به ساحت مقدس امام حسین علیه‌السلام، حمله به حسینیه‌ها، آتش زدن قرآن، کشیدن چادر از سر زنان محجبه، آتش زدن آمبولانس‌های حامل بیمار، قتل مردم کوچه و بازار با سلاح سرد و گرم دزدی و غارت مغازه‌ها، شکنجه طلبه پاک‌باخته و فداکار، قتل فلان بسیجی و فلان نیروی پلیس و فلان نیروی متعهد، ترور فلان امام جماعت، سلب آرامش و آسایش مردم در این نقطه و آن نقطه و ... تساهل در مقابل این همه اقدامات وحشیانه چگونه قابل توجیه است؟! نیروی انتظامی و بسیج بارها نشان داده‌اند که مرد میدان‌های سخت و پایان‌بخش روزهای بد حادثه هستند و پرسش این است که چرا به آن‌ها اجازه برخورد پشیمان‌کننده با آشوبگران و متجاوزان به جان و مال و ناموس مردم داده نمی‌شود؟

۵- دیروز در راهپیمایی حماسی مردم که حداقل در ۹۰۰ شهر با حضور چند ده میلیونی ملت برگزار شد یکی از اصلی‌ترین خواسته مردم که با گلایه‌های دوستانه نیز همراه بود، انفعال نیروهای یازدارنده نظام در مقابل جنایات وحشیانه آشوبگران بود. این انفعال و بی‌عملی برای مردم قابل توجیه نیست و حق نیز با آنهاست. یکی از خانم‌های میانسال که با همسر و فرزندان در راهپیمایی حماسی دیروز شرکت کرده بود در حالی که چشم اشکباری داشت می‌گفت «شما را به خدا خطاب به مسئولان بنویسید مگر ما فرزندانمان را از سر راه آورده‌ایم که آنگونه از سوی عوامل آمریکا و اسرائیل به خاک و خون کشیده شوند؟! دیگری می‌گفت: به آقایان بگویید، سهل‌انگاری را به حساب خویشنداری ننویسند! جوانی با عصبانیت می‌گفت: اعلام کرده‌اند که پلیس از گلوله‌های جنگی استفاده نمی‌کند! آیا این، پیام ناخواسته به آشوبگران نیست که با خیال راحت به هر جنایتی که می‌خواهند دست بزنند و مطمئن باشند که دست پلیس از اقدام پشیمان‌کننده بسته است؟! و ده‌ها گلایه دیگر از همین جنس.

۶- برخی از دست‌اندرکاران اعلام می‌دارند که مماشات با آشوبگران با هدف جدا شدن سره از ناسره صورت می‌پذیرد! که با عرض پوزش باید گفت: اولاً؛ مگر تاکنون این تفکیک و جدایی صورت نپذیرفته است؟! و ثانیاً؛ آیا هنگامی که می‌بینید آشوبگری با دشنه و یا فلان سلاح گرم در پی حمله به یکی از شهروندان است باید صبر کرد تا انگیزه‌اش روشن شود! و یا بر اساس عقل و منطق و قانون باید از حمله وحشیانه او جلوگیری کرد؟! و ثالثاً؛ آشوبگران باید به کدام جنایت دیگر دست بزنند تا احساس شود زمان مقابله جدی و بی‌ملاحظه با آن‌ها فرا رسیده است؟! و البته که در این میان از آتش‌افروزی برخی از مدعیان اصلاحات و سلبریتی‌های انسان‌نما نیز نباید غفلت کرد. آن‌ها با تروریست‌های آشوبگر هم‌پاله‌اند. چرا از آنان درباره دروغ‌های فتنه‌انگیزانه‌ای که منتشر می‌کنند بازخواست نمی‌شود؟!

۷- خوشبختانه دو روز قبل برخی از نمایندگان محترم مجلس به انفعال کنونی در مقابل آشوبگران اعتراض کرده و از دستگاه‌های مسئول خواستند تا بدون فوت وقت به مقابله جدی با اغتشاشگران پردازند که امید است این خواسته نمایندگان مردم با استقبال مسئولان ذی‌ربط روبه‌رو شود.

۸- و بالاخره گلایه این یادداشت برخاسته از خواسته‌ای است که این روزها بسیاری از مردم شریف و پاک‌باخته این مرز و بوم بر زبان دارند و خدای نخواست به معنای نادیده گرفتن زحمات مسئولان و دست‌اندرکاران مقابله با آشوب‌ها نیست بلکه انصاف حکم می‌کند که از تلاش شبانه‌روزی این عزیزان قدردانی شود و گلایه‌ها، مصداق «لنگش کن! پای گود نشسته‌ها نباشد»!

برجسب ها: اعتراض [1]

رسانه [2]

حقوق شهروندی [3]

نیروی انتظامی [4]